

UNITY TO END ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

<http://www.ghandchi.com/409-UnityToEndIRI-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/409-UnityToEndIRIEng.htm>



اتحاد برای پایان دادن جمهوری اسلامی

سام قندچی

بیست و شش سال از تأسیس جمهوری اسلامی میگذرد و هنوز بخش عظیمی از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، از سقوط رژیم واهمه دارند، بخاطر نگرانی از اینکه در پی سقوط جمهوری اسلامی، نوکان های آمریکا، یا سلطنت طلبان، یا مجاهدین، یا بخشی از رژیم جمهوری اسلامی کنونی، یا کمونیست ها، یا ملیون، یا تجزیه طلبان، یا هر کس دیگری که در نظرشان نامطلوب است، قدرت را در ایران بدست گیرد. گوئی مردم ما نظیر زن بارداری هستند که از دلواپسی هزاران اتفاقی که میتواند در آینده برای کودکی که در رحم دارد روی دهد، تصمیم به سقط جنین میکنند. بارها است که ما در این 26 سال، به پایان رژیم جمهوری اسلامی نزدیک شده ایم، و میتوانستیم رژیم نوینی را در ایران آغاز کنیم، و از ترس مصائب آینده در رژیم نو، تحولی که در جنین بود را، سقط کردیم، و کماکان در محبس رژیم جمهوری اسلامی ماندیم.

اگر زندانیان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی، بجای آزادی، بایستی به "مرخصی" راضی شوند، مردم ایران هم، هر چند گاه یکبار، مثلاً در زمان های انتخابات های جمهوری اسلامی، بایستی به تعدیل حجاب زنان و شاید شلوار کوتاه برای مردان دل خوش شوند. اگر در سالهای پیش از انقلاب 57، نیروهای سیاسی ایران درباره شرایط پس از سقوط رژیم موجود چندان نمیاندیشیدند، و فقط فکرشان محدود به سرنگونی رژیم شاه بود، در 26 سال گذشته درست به عکس بوده است.

انقدر درباره آنچه میتواند پس از سقوط رژیم واقع شود، و سناریو های متعدد، اندیشیده اند، که از امکانات واقعی که در زمان گروگانگیری، موقع پایان جنگ با عراق، و حتی در دوم خرداد فراهم آمده بود، بجای پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی، به دعوا میان خود و بحث سناریو ها مشغول شدند، و از فرصت برای پایان این رژیم واپس گرا، استفاده نکردند، و حتی آنها که خود هیچ امتیازی از رژیم برای شرکت در مجلس آن برخوردار نبودند، مبلغین مجلس و کابینه آپارتید رژیم شدند.

درست است که بایستی درباره رژیم بعد از جمهوری اسلامی میاندیشیدم و اینبار، بر خلاف دوران انقلاب 1357، این مهم را انجام داده ایم و حتی بسیاری طرح های قانون اساسی مورد نظر خود را ارائه کرده اند. من از نقطه نظر خود، خیلی روشن هستم که چه رژیمی بعد از جمهوری اسلامی میخواهم (-<http://www.ghandchi.com/348>) و (HezbeAyandehnegar.htm) و اکثر نیروها نظر خود را تدقیق کرده اند. اما آیا از پیش از تحول میشود پیروزی هیچ برنامه ای را تضمین کرد؟ خیر.

پدر و مادر دور اندیش، همه طرح های آینده را برای سنین مختلف کودکی که در راه دارند، برنامه ریزی میکنند، اما اگر تضمین صد در صد بخواهند، آخرش بایستی سقط جنین کنند، چون هیچگاه به چنان تضمینی نمیتوان رسید. درست است که وقتی کسی مطمئن است که تولد کودکش، بمعنی کودکی ناقص با هزاران بیماری است، و اگر به آن خاطر تصمیم به سقط جنین کند، راه درستی را برگزیده. اما بخاطر اطمینان صد در صد آینده موفق، و ترس از چالش ها و حتی سوانح آینده مقابل رشد کودک، تصمیم به سقط جنین کردن، نشان دهنده کامل گرانی جاهلانه است.

در واقع پدر و مادر دانا، آنها ئی هستند که آنچه میتوان برنامه ریژی کرد را میکنند، ولی آماده اند با مسائلی نظیر مواد مخدر در محیط آموزش، بیکاری، بیماری های غیر مترقبه، و هزاران مسأله دیگر، در هر زمان دست و پنجه نرم کنند. اگر ما نگران کودتای آمریکا در ایران بعد از جمهوری اسلامی هستیم، بهتر است بعد از پایان دادن به جمهوری اسلامی، در این مورد توجه داشته باشیم، نه آنکه برویم و رژیم جمهوری اسلامی را تقویت کنیم، آنهم با مثالهای ناقص از 28 مرداد.

آخر امروز در همه کشورهای خاورمیانه که رژیم های غیر کودتائی بر سر کارند، و سالهاست با اروپا در مناسبات خوبند، اتفاقاً رژیم های مستبدی هستند که نماینده جمعیت کشور خود نیستند. بعوض رژیم عراق که بقول این نویسندگان دست نشانده آمریکا است، بیش از همه آن رژیم ها مردم عراق را نمایندگی میکند، و از همه آنها دموکراتیک تر است. در صورتیکه رژیم های دست نشانده آمریکا در سالهای 1950 در همه جا، رژیم های دیکتاتوری بودند، که جمعیت کشور خود را نمایندگی نمیکردند. آیا این حرف من بمعنی تأیید دخالت آمریکا در ایران است؟ خیر. اما حرف من این است که مثالهای تاریخی خارج از واقعیت زمان بیهوده است.

در روز پس از پایان رژیم جمهوری اسلامی، شاید مهمترین مسأله نیروهای دموکراسی خواه، نئو کان های آمریکا باشند، شاید نه و سلطنت طلبانی که بخواهند رژیم شاه را احیاء کنند مهمترین مسأله شوند. شاید کسانی از همین جمهوری اسلامی، نظیر آیت الله طاهری ها یا آعاجری ها باشند، که بخواهند اسلامگرانی دولتی را اینبار بنوع دیگری احیاء کنند، یا شاید مجاهدین خلق باشند که بخواهند یک دیکتاتوری شبه کمونیستی اسلامی را بوجود آورند. شاید هم به عکس، از سلطنت طلبان گرفته تا مجاهدین، بعد از پایان جمهوری اسلامی خود، در درونشان اصلاح طلبی و استحاله جریان یابند، و به اساس جمهوری سکولار در آینده یاری رسانند. شاید نیروهای پلید دیگری نظیر تروریست هائی که از سر بریدن انسان ها، برای تحمیل افکار عقب مانده خود به مردم ابائی ندارند، نظیر آنچه امروز در عراق میبینیم، مسأله ایران شوند، یا تجزیه طلبانی که از ایران دموکراتیک، نه برای دوستی همه ایرانیان، بلکه برای دامن زدن به دشمنی ها بخواهند سود جویند.

تحول آینده ایران، نظیر هر تحول تاریخی بزرگ هر جامعه ای، به معنی این نیست که فردای پایان جمهوری اسلامی، دیگر مسأله ای نخواهیم داشت. حتی چندین سال پس از انقلاب آمریکا، انگلستان کاخ سفید را به آتش کشید، و رئیس جمهور مدیسن، مجبور به فرار شد، اما برای یک لحظه هم کسی فکر نکرد، که تحول در آمریکا بدون دوراندیشی انجام شده بوده است. درست است که در سالهای قبل از 1357، جنبش سیاسی ایران به بعد از تحول نیاندیشیده و دوراندیش نبود، و این نقد درستی بود که پس از شکست جنبش مترقی ایران در 1357، روشنفکران ایران به دوراندیش نبودن خود در 1357 نقد کردند.

اما ایرانیان در 26 سال گذشته، بسیار جنبه های آینده پس از جمهوری اسلامی را بحث کرده و ارزیابی کرده اند، و اکنون در شرایط مشابه 1357 نیستیم، که سالها فقط به سرنگونی رژیم موجود اندیشیده باشیم و نه به طرح های رژیم آینده. و ما برنامه های خود را برای آینده داریم، ولی تا این رژیم را پایان ندهیم، و برای ساختن رژیم آینده نکوشیم، همه این طرح ها بر روی کاغذ خواهند ماند، و هیچ تضمینی برای موفقیت، بیش از این، نمیتوان با بحث طرح ها بدست آورد. تقریباً همه نیروها امروز، از پلاتفرم برخوردارند، اما جمهوری اسلامی به آنها اجازه تشکل احزاب، و پیش بردن پلاتفرم های خود را نمیدهد، و این رژیم جمهوری اسلامی است که بایستی پایان یابد، و پس از آن این گوی و این میدان.

در واقع هر روز نمیشود به یک رژیم پایان داد. مثلاً در زمان سقوط رژیم های کمونیستی، که با سقوط رژیم های اروپایی شرقی آغاز شد، و به شوروی کشیده شد، فرصتی طلانی بود که مردم کوبا و چین هم در این حرکت تاریخی، به رژیم های دیکتاتوری در کشورهای خود پایان دهند، و به هر علتی چنین نکردند، یا نتوانستند پیروز شوند. امروز پس از سقوط طالبان و رژیم صدام در خاورمیانه، جدا از آنکه آن رژیم ها چگونه سقوط کردند، چنین شرایط تاریخی ای برای سقوط رژیم اسلامگرای جمهوری اسلامی فراهم شده است.

بجای کامل گرائی های ذکر شده در بالا، بهتر است از این فرصت استفاده کرده، و به رژیم جمهوری اسلامی پایان دهیم، وگرنه ممکن است که نظیر مردم چین و کوبا، سالها بعد افسوس بخوریم، که چرا هنوز کشورمان از جوامع باز نیست، و هنوز در یوغ اسلامگرائی است. کشورهای کمونیستی اروپای شرقی و جمهوری های شوروی سابق، که یوغ کمونیسم را به دور ریختند، همه به یک نوع نبود، و همه شان به رژیم های مشابه نرسیدند، اما همشان در یک مقطع تاریخی معین، در اواخر سالهای 1980 توانستند این مهم را انجام دهند. ما نیز زمان را دریابیم قبل از آنکه فرصت از دست برود.

به امید **جمهوری دوم** آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

۱ خرداد 1384

2005, 2May 2

نوشته مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>